

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 71

Date of filing 14 April 1983

AWARD. Date of Award _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

DECISION. Date of Decision _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

ORDER. Date of Order _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

CONCURRING OPINION of _____

Date _____ pages in English. _____ pages in Farsi.

DISSENTING OPINION of Judge Haldemann

Date 17 March 1983 _____ pages in English. 14 pages in Farsi.

OTHER; Nature of document: _____

Date _____ pages in English. _____ pages in Farsi.

71-50
VI-8

پرونده شماره ۷۱

شعبه یک

حکم شماره ۱ - ۷۱ - ۲۵

لیلیان بردین گریم

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۲ / ۱۱ / ۲۵ 14 APR. 1983
No.	71 / ۷۱

DUPLICATE
ORIGINAL

نظر مخالف هوار دام . هولتزمان

نسخه برابر اصل

71-50

۷۱-۵۰

قسمت اول

متاسفم از اینکه باید با حکمی مخالفت کنم که بموجب آن اکثریت این شعبه بدلائل مربوط به صلاحیت مانع آن شده است که بیوه یک مقام اجرائی آمریکائی که در ایران بقتل رسیده در این مورد از دیوان دادخواهی کند. بدینسان شعبه یک از رسیدگی ماهوی دعوی خانم لیلیان گریم که به خاطر از دست دادن حمایت مالی شوهرش اقامه شده و مرگ وی طبق ادعای خواهان به علت قصور دولت ایران در فراهم آوردن موجبات تامین جانی او روی داده است ، خودداری می‌ورزد .

مهمترین سوالاتی که در رابطه با تعیین صلاحیت دیوان داری در دعوی حاضر مطرح میگردد اینست که آیا خانم گریم حق مالکیتی نسبت به تامین مالی توسط شوهر مرحومش دارد و اینکه آیا ادعای خواهان مبنی بر قصور دولت ایران در حفظ جان شوهرش ، در عداد "اقدامات موثر بر حقوق مالکیت" مذکور در بند ۱ ماده ۲ بیانه حل و فصل دعوی محسوب میشود یا نه . طبق مقررات ماده فوق الذکر در صورتیکه "دعوی ناشی از ... اقدامات موثر بر حقوق مالکیت باشند" دیوان داری جهت

رسیدگی به ادعاهای اتباع آمریکائی مانند خانم گریم* صلاحیت خواهد داشت .
بعقیده من ، حقوق بین الملل حق مالکیت زن بیوه را نسبت به نفقه استحقاقی
وی از شوهرش امری مسلم میدانند و ادعای خواهان مبنی بر قصور دولت
ایران در تامین امنیت جانی شوهرش طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعای وی ، مشخصاً
در صلاحیت دیوان داور قرار میگیرد .

قسمت دوم

در سال ۱۹۷۸ (آذر - دی ماه ۱۳۵۷) که آقای گریم به قتل رسید ، بالاترین مقام اجرائی
تبعه ایالات متحده در صنعت نفت ایران بود و در چنان موقعیت شغلی ، وضعیت بیس
شاخص و آسیب پذیر داشت . ادعای خانم گریم نه بر فعل دولت ایران
که حسب الادعا بر ترک فعل آن دولت در ارتباط با تامین امنیت شوهرش مبتنی است .

در این مورد من اختلاف نظر اساسی با تصمیم اکثریت ندارم زیرا با اینکه در حکم بالحن
اکراه آمیزی آمده است "شاید بتوان قبول کرد که اصطلاح 'سایر اقدامات' هم شامل
فعل وهم شامل ترک فعل بشوند ... " ، در حکم صادره راجع به گنجاندن بیدلیل واژه "شاید"
توضیحی داده نشده است . قاعده سهل و ساده و متداول اینست که فعل و ترک فعل هر دو
در ایجاد مسئولیت نقش برابر دارند . به II Y.B. Int'l Law Comm'n 180 (1973) .
مراجعه شود .

قسمت سوم

نتیجه گیری اکثریت دائر بر اینکه اصطلاح "حقوق مالکیت" چنانکه در بند ۱ ماده ۲ بیانیه
حل و فصل دعای آمده کافی برای شمول حق زن بیوه نسبت به نفقه نیست در حکم انکار

* شناسنامه خانم گریم جهت اثبات تابعیت آمریکائی مشارالیها به دیوان داور تسلیم
شده است .

(آقای) * Plehn " را از نظر مالی به کمیسیون داوری اثبات نماید .

ده ها حکمی که در دعوی لوزیتانیا Lusitania صادر شد بنام بازماندگان تحت تکفل منجمله همسران ، فرزندان ، خواهران و برادران و والدین مادر گردید . بطور کلی رجوع شود به همان ماخذ ، صفحات ۶۹۸ - ۶۸۵ (در این ماخذ ۶۷ مورد از این دعوی بعنوان نمونه مورد بحث قرار گرفته "انتخاب این نمونه ها تصادفی بوده و در جهت بررسی کلیه پرونده ها اقدامی بعمل نیامده است ") .

کمیسیونی که در مورد دعوی Lusitania رای صادر کرد ، طی تصمیم اداری شماره ۶ مندرج در 7 R.I.A.A. 155, 164 (1952) خود توضیح داد که تئوری جبران خسارت مورد نظر کمیسیون این بوده است که "حق جبران خسارت ناشی از مرگ ... از طریق متوفی به خواهان تفویض نمیشود زیرا متوفی ، علی الاصول هرگز دارای چنین حقی نبوده است " . بنا بر این بازماندگان قربانیان Lusitania توانستند دعوی خود را نه بعنوان ادعای ایراد صدمات شخصی ، بلکه بعنوان ادعای "زیانهای اقتصادی" وارد به خود اقامه کنند ، یعنی زیانهای وارد به کسانی که متکی به دسترنج و حاصل تلاش فکری کسان دیگری بودند که مرگ ، قدرت تولیدی ایشان را معدوم ساخته بود . کل مبلغ خسارت مالی در لحظه غرق کشتی تثبیت گردید

Providential Mutual Life Ins. Co. (United States V. Germany), id. at 81,

113 (1924)

(تاکید از نویسنده)

این نظر ، صراحتاً " مبین آن بود که " خسارات مورد ادعای " بازماندگان تحت تکفل در چارچوب مبانی صلاحیت حاکم و مرتبط مندرج در بخش هشتم عهدنامه ورسای (ضمیمه شماره ۱) ، مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ ، معاهده صلح (برلین) مورخ ۲۵ اوت ۱۹۲۱ بین ایالات متحده و آلمان و موافقتنامه مورخ ۱۰ اوت ۱۹۲۲ بین ایالات متحده و آلمان در باب تعیین مبلغ ادعاها علیه آلمان ، همان " خسارت اموال " محسوب می شد .

* در دعوی Plehn ، خانم Plehn اتفاقاً با اثبات قصور مقدمات ذیصلاح در اتخاذ تدابیری برای سرکوب راهزنی " که منجر به قتل شوهرش شد در اصل دعوا حاکم شد ، Whiteman, supra at 641. کمیسیون ، بر مبنای محاسبه متوسط عمر و قدرت کسب درآمد متوفی ، حکمی به مبلغ ۲۰,۰۰۰ دلار به طلا بابت غرامت مالی ناشی از مرگ وی ، به خانم Plehn داد . مراجعه شود به همان ماخذ ، صفحه ۶۷۹ .

در دعاوی Lusitania حق دریافت غرامت توسط بازماندگان تحت تکفل بابت زیان های مالی با عباراتی بس محکم بیان شده است .

قوانین مدون و آراء قضائی ملل متمدن که گویای روشن بودن افکار عمومی این ملل است ، حق دریافت غرامت مالی ، بابت زیان های ناشی از فوت را برای بازماندگان ، مورد شناسائی قرار داده است . این قاعده ای است که حقوق و تعهدات راتبیین نموده و صرفاً " مربوط به تعیین میزان خسارت نیست .

تصمیم اداری شماره ۶ همان ماخذ صفحه ۱۶۴ - (تاکید از متن اصلی است) این نکته در صفحه ۱۱۵ پرونده Providential Mutual Life Ins. Co. مورد تاکید بیشتری واقع شده است :

"در مقایسه با زیان هایی که بازماندگان تحت تکفل فردی بدلیل صدمات ناشی از فوت (یک خویشاوند) متحمل میشوند ، کمتر خسارتی را میتوان یافت که تا این حد دول متمدن بعنوان مبنای جبران خسارات مادی ، مورد شناسائی قرار داده باشند . دیوان های داوری بین المللی ، فارغ از هرگونه مقررات صریح در عهدنامه های مقابله نامه های حاکم ، هیچگاه در قبول این قاعده تردید نکرده اند ."

در حکم مورد بحث ، اکثریت کوشیده است بین دعاوی مطروح طبق کنوانسیون دعاوی عمومی ایالات متحده - مکزیک* و معاهده ورسای که با ذکر ماخذ در معاهده صلح (برلین) گنجانده شده است ، قائل به تمایز شده ، خاطر نشان سازد که آن معاهدات ناظر بر زیان های شخصی و نیز زیانهای مالی است ، حال آنکه بیا نیه حل و فصل دعاوی فقط شامل ادعاهائی است که "از اقدامات موثر بر حقوق مالکیت" ناشی شده باشند . بهرحال ،

* اکثریت امضاء کننده حکم بنا به دلایلی ، به شرایط صلاحیت مندرج در کنوانسیون ۱۹۲۳ موجد کمیسیون دعاوی عمومی ایالات متحده - مکزیک استناد نموده است ، حال آنکه مبنای واقعی صلاحیت با توجه به پرونده های که عملاً در مورد آنها رای صادر شده ، همان کنوانسیون ۱۸۶۸ است که موجد کمیسیون قبلی دعاوی ایالات متحده و مکزیک بود .

چنین استدلالی از جانب اکثریت بیهوده است ، زیرا هما نظور که فوقاً " توضیح داده شد ، در کلیه دعاوی مربوط به مکزیکو و Lusitania حکم پرداخت غرامت ، بر مبنای پذیرش حقوق مالکیت با زماندگان تحت تکفل و نه بر اساس تئوری خسارت شخصی صادر شده است .

در تفسیرها و رساله های اخیر نیز حق مالکیت زن بعنوان مبنای ادعا مورد تأیید قرار گرفته است . در مواد (۱) ۱۴ و (ب) (۲) ۱۴ " پیش نویس کنوانسیون مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال خسارات وارده به اتباع بیگانه " که عیناً " در 55 A. Jrn'l Int'l L. 545, 575 (1961) نقل شده است : " زیان یا ضرری که در اثر تعدی یا ترک فعل دولتی متوجه یک فرد خارجی میگردد " شامل " کلیه زیان هائی است که در اثر مرگ یکی از اتباع بیگانه به تبعه بیگانه دیگر وارد آید . طبق تعریف ماده ۲۰ (ب) (۱) ، تبعه بیگانه خسارت دیده ، در مواردی که تبعه ای به قتل میرسد ، شامل تبعه بیگانه دیگری که . . . همسر متوفی است ، می گردد .

به همین نحو ، در اظهار نظر مندرج در بند (۱) بخش ۱۶۴ ، دومین متن تجدیدنظر شده قانون روابط خارجی ایالات متحده ، اشاره شده است که (منظور از خسارت) " کلیه خساراتی است که (هر تبعه بیگانه) بمناسبت فوت تبعه بیگانه دیگر متحمل میشود .

ماخذ دیگر در حقوق بین الملل که میتواند در روابط طرفین دعوی مورد استناد قرار گیرد عهدنامه مودت ، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایالات متحده و ایران است . 8 U.S.T. 899, T.I.A.S. 3853.

این عهدنامه مودت بدون هیچگونه تردیدی در موقع حدوث واقعه ای که منجر به طرح دعوی حاضر شده ، نافذ بوده است . به دعوی مربوط به دیپلماتها و کارمندان کنسولی ایالات متحده در تهران (۱۹۸۰) گزارش های شماره ۳/۲۹ دیوان دادگستری بین المللی مراجعه شود .

در بند ۲ ماده ۶ عهدنامه مذکور بیان شده است که :

اموال اتباع و شرکتهای هریک از طرفین معظمین متعاهدین ، از جمله حقوق مالکیت ، از حداکثر حمایت و حفاظت در درون مرزهای

طرف معظم متعا هددیگر بر خوردار خواهد بود، و در هیچ مورد این حمایت و حفاظت از حدی که حقوق بین الملل لازم می‌شمارد نباید کمتر باشد.

همانطور که موارد مذکور در فوق نشان می‌دهد، حق خانم گریم به برخورداری از حمایت مداوم شوهرش در حکم حق مالکیت است. بر همین اساس، ایران متعهد بوده است که "حداکثر حفاظت و حمایت" را نسبت به آن مالکیت به عمل آورد". ایران همچنین تعهد مشابه دیگری به موجب بند ۴ ماده دو عهدنامه مودت داشته که "حداکثر حمایت و امنیت را در درون مرزهایش" نسبت به خانم گریم به عنوان تبعه ایالات متحده، به عمل آورد. قصور ادعائی در حمایت از آقای گریم منجر به ورود خسارت به دارائی خانم گریم گردید، زیرا خسارت، در مواردی که فوت یک خارجی مطرح است، از قطع رشته حیات ناشی نمی‌شود بلکه، از صدمات متحمل شده توسط بازمانده متوفی در نتیجه فوت، نشأت می‌یابد.."

(گاریسیا-آما دور، قوانین مدون اخیر درباره مسئولیت دولتها جهت صدمات وارده به
خارجیان (۱۹۷۴) ۱۱۵ Garcia - Amador, Recent Codification of the
Law of State Responsibility for Injuries to Aliens 115 (1974).

بنابراین در دعاوی بالا سعی شده که میزان این خسارت به صورت مادی تقویم شود، و اینکار چنانچه خسارت، خسارت در مال نبود، کوششی عبث می‌بود. همانطور که "گروسیوس" گفته است، "پول معیار مشترک کلیه چیزهای با ارزش است". (اچ . گروسیوس، حقوق جنگ و صلح کتاب دوم، فصل ۱۷، بخش ۲۲ ترجمه لومیس (انگلیسی).

(۱۹۴۹) H. Grotius, The Law of War and Peace, Book II, Ch. 17 § 22 (Loomis trans., 1949). بدینسان، در موارد فوت، مبنای خسارت

رنج جسمانی یا روحی متوفی یا از دست رفتن او یا خسارت وارده به ماترک او، نبوده، بلکه زیانهای وارده به مدعیان وی در اشرفوت اوست". دعاوی لوزیتانیا (ایالات

متحده علیه آلمان)، Lusitania Cases (United States V. Germany),
7 R.I.A.A. 32, 35 (1923).

در قبال قاطعیت انکار ناپذیر حقوق بین الملل در منابع مختلف، مشکل است بتوان فهمید که چطور اکثریت می‌توانند مدعی باشند که حقوق مالکیت خانم گریم "تحت تاثیر واقع نشده"، و قصور ادعائی در حمایت از شوهر او "فقط بر حیات و امنیت آقای گریم تاثیر گذاشته است".

رجوع شود به ما خذبالا، صفحات ۷۳۳ - ۷۳۲ 33 - 732 Whiteman supra 1
پیش از این واقعه حادثه دیگری در سال ۱۹۰۴ روی داده بود که طی آن وزیر امور خارجه
ایران صریحا " قصد دولت ایران را "دایر بر پرداخت مبلغی به خانواده متوفی به
عنوان خونیها"، در صورت اقامه ادعا توسط وزیر امریکائی از جانب بیوه یکی از اتباع
ایالات متحده که توسط کردها در نزدیکی ارومیه کشته شده بود، مورد تاکید قرار داد. همان
ماخذ در صفحه ۷۲۵. اولین موردی را که می توان جهت مطابقت این گونه غرامت با
حقوق اسلامی ذکر کرد، به سال ۱۸۲۷ مربوط میشود. در آن سال شیوخ قبیلـــــــــــــــــه
هیراول سومالی واقع در کناره شرقی آفریقا، بموجب قانون اسلام، به جهت حمایت
از خانواده های برخی افراد مقتول، غرامت پرداختند. همان ماخذ، صفحه ۶۳۸. بنا
بر این، در مجموع، حقوق فعلی ایران در خصوص حق زوجه در برخورداری از حمایت مالی
شوهر با عبارت بند ۱ ماده دو یعنی " حقوق مالکیت " مطابقت دارد، چه در منـــــــــــــــــه
شمول عبارت مزبور به قدر کافی وسعت دارد که حقوق خانم گریم علیه دولت ایران
را در برگیرد.

قسمت پنجم

اکثریت در تلاش برای تحکیم موضع خود، به اصل حقوقی *ejusdem generis*
استناد می جوید. اکثریت موضع خود را بر این واقعیت مستقر می سازد که بند ۱ ماده
دو بیانیه حل و فصل دعوی مقرر داشته که دیوان نسبت به ادعاهای " ناشی از دیون،
قراردادها (از جمله معاملاتی که موضوع اعتبارات اسنادی یا ضمانت نامه های بانکی
هستند)، سلب مالکیت یا سایر اقدامات موثر بر حقوق مالکیت"، صلاحیت دارد. در
این رابطه، حکم صادره خاطر نشان می سازد که عبارت "سایر اقدامات موثر بر حقوق
مالکیت" باید منحصر " به اقداماتی تعبیر شود که عموما " مشابه "سلب مالکیت"
بوده و قصور ادعائی در تأمین حمایت، به هیچ روی مشابه سلب مالکیت نیست. به نظر
من، این اظهار، دست کم به سه دلیل نادرست است.

اولا ادعای خانم گریم به خاطر قصور در حمایت از همسرش نبوده، بلکه برای خساراتی
است که وی در نتیجه سلب حمایت مالی شوهر، متحمل گردیده است. از این نظر، در
واقع تصرفی شبیه سلب مالکیت صورت گرفته است.

کافی از آقای گریم، تحت تاثیر واقع شده"، ادعا را نادرست تعبیر می‌کند. درک زمینه و قالبی که "رنج و اندوه" در ادعا مطرح گردیده حایز اهمیت است.

ادعا، برخلاف استنباط نادرستی که اکثریت از آن کرده است، برای خسارت بابت "رنج و اندوه" خانم گریم اقامه نشده، بلکه به منظور استرداد مبلغی به عنوان خسارات تادیبی و تنبیهی یا توجه به اوضاع و احوال پیرونده، علاوه بر خسارت از دست دادن درآمد آقای گریم توسط خانم گریم، به عمل آمده است. در برخی نظام‌های حقوقی، هنگامی که خسارت وارده به حقوق مالکیت "بدلیل شرایط و اوضاع و احوال خسونت آمیز تشدید شده باشد" حکم به پرداخت خسارات تنبیهی داده می‌شود. فرهنگ حقوقی بلک صفحات ۶۸ - ۴۶۷ (چاپ چهارم - ۱۹۵۱)

Black's Law Dictionary 467 - 68 (4th ed. 1951)

اشاره به رنج و اندوه خانم گریم، به خودی خود مبنای مطالبه خسارت نبوده (چنین مبنائی در صورتی صدق می‌یافت که خانم گریم بابت خسارات شخصی ادعای غرامت می‌کرد) - بلکه، منظور از این اشاره، شرایط مشدده‌ای است که طبق استدلال مندرج در ادعا، تحمیل خسارات اضافی را بمنظور تنبیه یا عبرت دیگران ضروری می‌گرداند.

احتیاجی نیست که در نظر مخالف حاضر به این مسئله بپردازم که آیا خسارات تنبیهی در مورد این پرونده قابل توجیه هست یا خیر. من فقط از این نظر مسئله را عنوان کردم که توضیح دهم چرا از نظر من اشاره به رنج و اندوه موید تصمیم اکثریت نیست.*

قسمت هفتم

وبالآخره، مسئله‌ای که باید بررسی شود اینست: ولو اینکه ادعای خانم گریم، بدلیل عنوان کردن خساراتی که از "اقدامات موثر بر حقوق مالکیت" ناشی می‌شود، در حیطه شمول بند ۱، ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی قرار گیرد، با اینحال، استثنای مقرر در بند ۱۱ بیانیه عمومی در مورد ادعاهای ناشی از صدمات خاص وارده "در نتیجه جنبشهای مردمی در طول انقلاب اسلامی، که ناشی از فعل دولت ایران نباشد"، صلاحیت

* اشاره‌ای که در حکم به مدافعات مطروح در پرونده حاجی باقرپور و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۲ - ۴۲۸ - ۲۳ (۲۶ ژانویه ۱۹۸۳ / ۶ بهمن ماه ۱۳۶۱) شده نیز تا شنیدی بر تصمیم اکثریت نیست. همانطور که اکثریت خود خاطر نشان می‌سازد، پرونده یاد شده، در زمینه متفاوتی به وجود آمده و حکم صادره توسط شعبه دو بدون "عنوان کردن موضوع مورد بحث" در پرونده مزبور، صادر شد.

دیوان داوری رانفی می‌کند، یا خیر؟ لزومی نداشت که این موضوع در حکم اکثریت عنوان گردد، جز اینکه به استدلال خواننده درباره آن اشاره شود. بر همین اساس، در اینجا من به تحلیل کامل آن نمی‌پردازم.

در حدی که مورد نظر این گزارش است، کافی است ذکر شود که بند ۱۱ مذکور دامنه شمول بسیار محدودتری نسبت به آنچه که خواننده ادعا می‌کند دارد. بند ۱۱، به موجب نص صریح خود فقط به دستگیری ۵۲ تبعه آمریکائی در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸) مربوط می‌شود. اولاً این بند مقرر می‌دارد که ادعاهای مرتبط با ۵۲ گروگان یاد شده که در آن زمان در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح بوده مسترد شود. بند مزبور سپس جلوتر رفته و "طرح هرگونه ادعای آتی از جانب ایالات متحده یا اتباع ایالات متحده" را، که در ارتباط با چهار واقعه مشخص زیر باشد، منع می‌سازد:

(الف) عمل دستگیری ۵۲ تبعه ایالات متحده در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹)،
(ب) توقیف دستگیرشدگان، (ج) خسارات وارده به اموال ایالات متحده و یا اموال اتباع ایالات متحده در داخل محوطه سفارت آمریکا در تهران بعد از ۱۲ آبان ماه ۱۳۵۸
(۳ نوامبر ۱۹۷۹) و (د) صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است. (تاکید از نویسنده).

قید (د) چنانچه در زمینه و چارچوب خود ملاحظه شود، فقط به "اتباع ایالات متحده" (The United States nationals) ، که عبارت از ۵۲ فرد دستگیر شده در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) بودند، و "اموال آنها"، مربوط می‌شود، در غیر این صورت حرف تعریف "The" (در متن انگلیسی) مفهومی نمی‌داشت. برای اینکه تاکید بیشتری بشود که بند ۱۱ فقط مربوط به موضوع گروگانهاست، بقیه جمله بند مزبور مقرر می‌دارد که ایالات متحده از طرح هرگونه ادعای ناشی از حادثه گروگانگیری در دادگاههای خود توسط هرکس که جزو (۵۲ نفر) اتباع ایالات متحده نباشد، جلوگیری به عمل خواهد آورد. از آنجا که خانم گریم جزو ۵۲ گروگان یاد شده نبوده و ادعای وی به حادثه گروگانگیری هیچ ربطی نداشته است، بند ۱۱ هیچ گونه تاثیری بر صلاحیت دیوان در این پرونده ندارد.

